



به نام پروردگار مهربان



مهرماه

سے صد و شصت درجہ ہی

عَرَبِیَّۃ

محمد نقده دوز طهرانی بہمن دانشیان

مدیر دپارتمان عربی و نظارت علمی: مہران ترکمان

با سپاس فراوان از مهندس سجاد بیگلری

اساتید مشاور

آقایان محمد احسان، حسن اسدی، خانم‌ها زہرا حیاتی، اکرم لشگری،
نوید امساک، مہدی جلادتی، ریحانہ سردار، فاطمہ خامدا،
بشیر حسین زادہ، بابک ذوالقدر، پیمان کشاورز افروز سادات موسوی
صدر، نورالدین ماہوری، مسعود محمّدی،
علی نائیجی، حسین نجفی، بہمن نیک‌قلب،
مسلم سخنی نوش آبادی

کتاب پیش روی شما شرح و تحلیل کتاب عربی دوم دبیرستان عمومی است. بدون تعارف باید بدونید که کتاب ما فقط ترجمه‌ی متن درس‌ها و یا به عبارتی حل‌المسائل نیست که دانش‌آموز با خواندن این کتاب تنبل بشه (خدایی ناکرده ...) یا موجب بشه توجهش سر کلاس‌ها کم بشه. در این کتاب ابتدا به بیان قواعد هر درس به زبانی شیوا و جامع، سپس ترجمه‌ی روان و دقیق متن درس‌ها پرداختیم. (همون‌ها که برای امتحان پایانی، اولین سؤال ترجمه‌ی شما هست.) سپس تمارین مختصر کتاب و کارگاه‌های ترجمه، دقیق موشکافی شدن. در متن درس‌ها ترکیب (بیان نقش) کلمات رو می‌بینید و البته تجزیه و آنالیز عبارات و کلمات مهم هر جمله رو هم براتون نوشتیم. «تمرین‌های تکمیلی» رو فراموش نکنید که حتماً حل کردن و تحلیل پاسخ‌های تشریحی این بخش دانسته‌های شما رو عمیق می‌کنه. (نمره‌ات رو از اون مطلب توی امتحان پایانی راحت می‌گیری - فقط حلش کن خواهشاً -) پایان هر درس یک نمونه سؤال امتحانی به سبک بارم‌بندی داریم.

قبل از شروع پرسش‌های چهارگزینه‌ای (همون testها) درس‌نامه‌ی نموداری همون درس رو می‌بینید که یه وقت نگید قواعد عربی سخته و زیاده و... از این حرف‌ها ...

برای هر درس تست‌های سراسری مرتبط و سازمان‌سنجش و تألیفی داریم که برای آمادگی کنکور سراسری شما تدارک دیدیم.

پاسخ‌های تشریحی هم که واقعاً تشریحی‌اند به زبان ساده ولی علمی و دقیق (یه جاهایی هم طنز) نوشتیم که با ما جای هیچ گلايه و شکایتی از درس شیرین عربی باقی نمونه. در پایان کتاب جدول‌های جمع‌بندی آوردیم که مرور سریع مهم‌ترین مطالب کتاب براتون راحت باشه. (همون جدول‌های made in mehromah)

در پایان کتاب هم چندتا «نمونه سؤال امتحانی ترم دوم» تألیفی با سؤالات جون‌دار و حرفه‌ای آوردیم تا شب امتحان ترم دوم کتاب ما، حق رفاقت رو ادا کنه. مطالعه و تمرکز روی نکات حل سؤالات «تجزیه و ترکیب» و «خطایابی» فراموش نشه. (چون برای بار اول ما براتون جمع‌وجورش کردیم)

علائم رمزی کتاب

حروف الفبایی یعنی ۲۰ بگیر که تمرین‌های پیشرفته‌اند.

نکته: تذکر (i) ترجمه به فارسی و...

تشکر می‌کنم از

- آقای احمد اختیاری مدیریت انتشارات مهروماه که زمینه‌ی چاپ کتاب را با تمام لطف و عنایت خود فراهم کردند.
 - آقای محسن فرهادی که به همراه تخصص نایاب خود، زینت‌بخش طرح کتاب و قوت قلب ما بودند.
 - سرکار خانم سمیه جباری مدیر تولید انتشارات که در تولید کتاب به نحو احسن همراه و یاور ما بودند.
 - خانم‌ها الهام پیلوایه، هدیه مرادی و محبوبه نهاله که حروف‌چینی و صفحه‌آرایی بی‌نظیر کتاب را عهده‌دار بودند.
 - استاد گرامی و مؤلف توانمند «مهران ترکمان» که نظارت علمی کتاب حاضر را عهده‌دار بودند.
- با سپاس فراوان از اساتید مشاور درس عربی که راهنمای فکری ما در این کتاب بودند.
- آقایان:** محمد احسان، حسن اسدی، نوید امساک، مهدی جلاذتی، بشیر حسین‌زاده، بابک ذوالقدر، پیمان کشاورز صدر، نورالدین ماهوری، مسعود محمدی، علی نائیجی، حسین نجفی، بهمن نیک‌قلب، مسلم سخنی نوش‌آبادی
- خانم‌ها:** زهرا حیاتی، اکرم لشگری، ریحانه سردار، فاطمه خامدا، افروز سادات موسوی
- ویراستاران علمی:** نازنین هدایتی، سمیه حیدری، بهزاد صادقی

فهرست

۷ | الدرس الأول: الهی
پرسش های چهارگزینهای | ۲۲
نمونه سوالات پایانی | ۲۴

۲۲ | الدرس الثاني: فی خدمة البؤساء
پرسش های چهارگزینهای | ۴۷
نمونه سوالات پایانی | ۴۹

۵۶ | الدرس الثالث: کتاب الحياة
پرسش های چهارگزینهای | ۷۲

۸۰ | الدرس الرابع: جمال العلم
پرسش های چهارگزینهای | ۹۲
نمونه سوالات پایانی | ۹۴

۱۰۴ | الدرس الخامس: القبی و القمر
پرسش های چهارگزینهای | ۱۲۴
نمونه سوالات پایانی | ۱۲۶

۱۳۶ | نمونه سوالات پایانی ترم اول

۱۴۶ | الدرس السادس: حقوق الناس
پرسش های چهارگزینهای | ۱۶۴
نمونه سوالات پایانی | ۱۶۶

۱۷۶ | الدرس السابع: علی الظلم ثوری
پرسش های چهارگزینهای | ۱۸۹
نمونه سوالات پایانی | ۱۹۱

۲۰۱ | الدرس الثامن: الشاب التطل
پرسش های چهارگزینهای | ۲۱۸
نمونه سوالات پایانی | ۲۲۰

۲۲۰ | الدرس التاسع: لیس للإنسان إلا ما سئعی
پرسش های چهارگزینهای | ۲۴۶
نمونه سوالات پایانی | ۲۴۸

۲۴۸ | الدرس العاشر: تبارک الله أحسن الخالقین
نمونه سوالات پایانی | ۲۷۵

جدول جمع بندی ترم دوم | ۲۹۷



ضمائم ۳ گانه

- ۲۷۸ جمع بندی نکات
- ۲۸۵ نمونه سوالات امتحان نهایی
- ۲۹۲ نمونه سوالات کنکورهای ۹۴ داخل و خارج

هو: ضمير، منفصل مرفوع، للغائب، معرفة، مبنی علی الفتح/ مبتدا و مرفوع محلاً و الجملة اسمیة

شفاء: اسم، مفرد، مذکر، جامد، نکره، معرب/ خبر و مرفوع

و: حرف، غیر عامل، مبنی علی الفتح

رحمة: اسم، مفرد، مؤنث، جامد، نکره، معرب

ل: حرف، عامل جر، مبنی علی الکسر

المؤمنین: اسم، جمع سالم للمذکر، مشتق (اسم فاعل)، معرف بآل، معرف

توضیح حروف نقش و ترکیب ندارند و به اصطلاح گفته می‌شود که محلی از اعراب ندارند.

کلماتی که زیر آن خط کشیده شده، به جای نقطه چین قرار داده می‌شود.

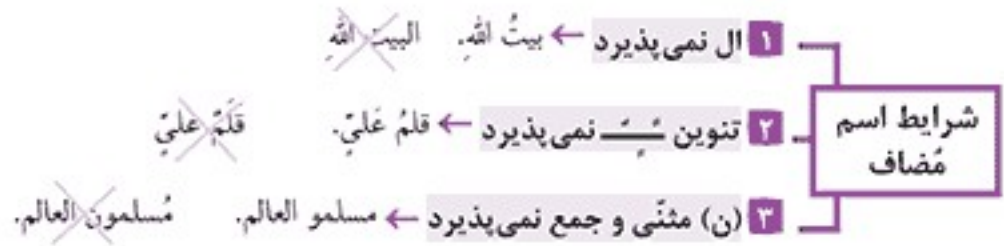
۴۰ وظایف الدعاء

مَوْلَعَة: مشتاق، حریص	فَرْحَة: شادمانی
ذکر: یاد	الصُّور: صورت‌ها
دُعَاء: خواندن	لقاء: دیدار
صَفْوَة: برگزیده	إِجْعَل: قرار بده
أولیاء: دوستان	مُتَزَوِّدَة: توشه گیرنده
صابرة: صبر کننده	نفسی: خودم
نزول: فرود آمدن	یوم: روز
شاکرة: شکرگزار	قدر: سرنوشت
فواضل: گسترده‌ها (جمع فاضلة)	جزاء: پاداش
نعماء: احسان	راضیة: راضی
سوابغ: کامل‌ها، تمام‌ها (جمع سابع)	قضاء: قضا و قدر
آلاء: نعمت‌ها (جمع إلی)	

معجم

صَدْر: سینه (جامد)	أَكْرَمَنِي: مرا گرامی بدار (مصدر: إكرام)
أَنْشُرُ: پخش کن (مصدر: نشر)	جَنَّبْنَا: ما را دور کن (مصدر: تجنب)
يَسِّرْ: آسان گردان (مصدر: تيسير)	إلهی: معبود من، خدای من
خَزَائِن: گنجینه‌ها (ج خزينة)	إفْتَحْ: باز کن (مصدر: فتح)
حَوْل: پیرامون	مَعْصِيَة: ذنب: گناه
أمر: کار (جامد)	رَبِّ: پروردگار من، پروردگارا
لا تُعَسِّرْ: سخت مگیر (مصدر: تعسير)	عَلَيْنَا: بر ما (علی + نا)
النص: متن	أَرْحَم: مهربان‌ترین (اسم تفضیل)
أَحْلَلْ: باز کن، بگشای (فعل أمر)	إشْرَحْ: گشاده کن (مصدر: شرح)
فَرِّحْ: شادکن (مصدر: تفریح)	أبواب: درها (ج باب)
أَيُّ: کدام (اسم استفهام)	الراحمین: مهربانان (اسم فاعل)

درسنامه‌ی نموداری



۲۰ جدول العشرين

۱. أعرب ما أشر إليه بخط:

(الف) أنا مدينة العلم و علي بابها.
(ج) أخرجني من ظلمات الوهم.

۲. صحح الأخطاء:

(الف) ما ذهب أحد للمساعدة.
(ج) قد سترت علي ذنوباً و أنا أحوج إلى ستره.

۳. شكل ما أشير إليه بخط:

(الف) اقرأ النص ثم صحح الأخطاء.
(ج) عين الجملة التي كل أسماؤها معرفة.

۴. عين المناسب للفراغ:

(الف) أنشز علينا علومك. (الخزائن - خزائن - خزائن)
(ج) الناس يكرموني. (هذا - هذه - هولاء)
(هـ) إلهي قد سترت علي (ذنوب - ذنوب - ذنوباً)

(ب) لا تجعل للشيطان على عقلي سبيلاً.
(د) يحملك الأشراف على أيديهم.

(ب) اللهم افتح علينا أبواب الرحمة.

(ب) و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنين.

(ب) أنا العلم. (مدينة - مدينة - المدينة)
(د) هولاء مجتهدات. (الطالبة - الطالبات - الطلاب)
(و) لا تجعل للشيطان على عقلي (سبيل - سبيل - سبيلاً)

٥. إنتخب الترجمة الصحيحة.

(الف) هذه بساتين جميلة. (اين - آن - اينها)
(ب) لكنني محبوس مع أتي أغرذ. (سخن مي گويم - آواز مي خوانم - حمل مي كنم)

٦. عيّن انواع المعارف:

(الف) مَنْ يُعَلِّقُ هَذَا الْجَرَسَ فِي رَقَبَتِهَا؟
(ب) إِنَّ الْحَسِينَ مَصْبَاحٌ هَدَى وَ سَفِينَةٌ نَجَاةٌ.
(ج) أَحَبُّ إِخْوَانِي مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عِيُوبِي.
(د) الْحَسَنُ وَالْحَسِينُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ.

٧. للاعراب و التحليل الصرفي.

قد سترت عليّ ذنوباً و أنا أحوج الي سترها.

پاسخنامه تشریحی



١. الف) مدينة: خبر و مرفوع / علي: مبتدا و مرفوع
(ب) للشيطان: جار و مجرور / سبيلاً: مفعول و منصوب
(ج) (ي) در أخرجني: مفعول و منصوب محلاً / ظلمات: مجرور به حرف جر
(د) (ك) در يحمالك: مفعول به و منصوب محلاً / أيدي: تقديراً مجرور به حرف جر
٢. الف) أحد: أحد
(ب) أبواب: أبواب
(ج) أحوج: أحوج
(د) خزائن: خزائن
(هـ) ذنوباً: ذنوباً
٣. الف) النص - صحح
(ب) القران - شفاء
(ج) الجملة - كل
(د) الطالبات
(و) سبيلاً
٤. الف) هذاه: اينها

ب) أغرذ: آواز مي خوانم.
ب) أغرذ: آواز مي خوانم.

٦. الف) هذا: اسم اشاره

الجرس: ذواللام

رقبة: معرفة به اضافه

(ب) الحسين: معرفة به علم

ب) مابقي كلمات نكرة هستند. وقتي پس از يك اسم نكرة مضاف اليه بيايد كه آن هم نكرة باشد معرفة به اضافه شكل نمي گيرد.

عبوب: معرفة به اضافه

ي: معرفة به ضمير

(ج) أحب: معرفة به اضافه - إخوان: معرفة به اضافه

ك: معرفة به ضمير - مَنْ: موصول

ي در إلی: ضمير

(د) الحسن ⊕ علم - الحسين ⊕ علم

سيدا - شباب - أهل ⊕ همگی معرفة به اضافه

الجنة ⊕ ذواللام

٧. سترت: فعل ماضي - للمخاطب - مجرد ثلاثي - مبني على السكون متعد من مادة (س ت ر) - / فعل مع فاعله (ت) البارز
أحوج: اسم - مفرد - مذكر - مشتق (اسم تفضيل) - معرب - نكرة - ممنوع من الصرف - صحيح الآخر / خبر و مرفوع

(سجش ٨٤)

- (٢) الوالد- المنزل- يذو- مملوءة
(٤) المنزل- يذو- مملوءة- اكياس

(سجش ٨٢)

- (٢) رسم- صورة- العالم- اوضح
(٤) كاملة- للعالم- اوضح- نقاط

(سجش ٨٣)

- (٢) يحتوى- البرتقال- مادة- العطور
(٤) البرتقال- مادة- تستخدم- صناعة

(ناهي)

- (٢) بشر: اسم - مفرد - جامد - معرف بالإضافة / مبتدا و مرفوع
(٤) قلب: اسم - مفرد - جامد - نكرة / مجرور بحرف جر

(ناهي)

- (٢) يعلم: فعل مضارع للغائب - ثلاثي مزيد - معرب / فعل و فاعله «هو»
(٤) قلوب: اسم - جمع تكسير (مفردة قلب) - جامد - نكرة / مجرور بحرف جر

(ناهي)

- (٢) يهدي: فعل مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي (من باب إفعال)
(٤) أقوم: اسم - مفرد - مذكر - مشتق (اسم تفضيل) - نكرة

(سجش ٨٥)

- (٢) اجعل نفسي راضية بكل قضاء، يا ربني!
(٤) لكل مؤمن إخوة كثيرة من بين المؤمنين!

(سجش ٨٥)

- (٢) بشاشة الوجه خير من سخاء الكف!
(٤) كُن العاقل الذي يتبعد عن الباطل!

(سجش ٨٧)

- (٢) من يرى مَرَّ الجبال كما تمرَّ السحاب!
(٤) أنعلمون أن نبينا ممن شجعنا على التعلم؟

(سجش ٨٧)

- (٢) إن كان وجهك بشاشاً أفضل من أن تكون سخيّاً
(٤) علينا جميعاً إن نهدى الناس إلى طريق هي أقوم لهم!

(سجش ٨٧)

- (٢) ذوالحجة و ذوالقعدة شهران من كل سنة قمرية.
(٤) رأيت زميلي و اخته و هما يحملان جراباً فيه كتب.

(سجش ٨٧)

- (٢) هذه الجاذبة قوة طبيعية.
(٤) ذلك الذين القيم.

(سجش ٨٨)

- (٢) هذا الطالب المجذ راض عن نتيجة عمله!
(٤) هل انت ذو عهد و مسؤولية في هذا المكان!

٢٧. «دخل الوالد المنزل و يده مملوءة بأكياس الطعام»:

- (١) دخل- الوالد- المنزل- يذو
(٣) يذو- مملوءة- اكياس- الطعام

٢٨. «رسم صورة كاملة للعالم اوضح فيها نقاطه»:

- (١) رسم- العالم- اوضح- فيها
(٣) صورة- كاملة- للعالم- نقاطه

٢٩. «يحتوى قشر البرتقال على مادة تستخدم في صناعة العطور»:

- (١) مادة- تستخدم- صناعة- العطور
(٣) البرتقال- مادة- تستخدم- صناعة

٣٠. «المؤمن بشره في وجهه و خزنه في قلبه»:

- (١) المؤمن: اسم - مفرد - مذكر - مشتق (اسم مفعول) / مبتدا و مرفوع
(٣) خزن: اسم - مفرد - جامد - نكرة / مبتدا و مرفوع

٣١. «ربنا يعلم ما في قلوب الناس»:

- (١) رب: اسم - مفرد - مشتق (صفت مشببه) - معرف بالإضافة / مبتدا و مرفوع
(٣) ما: اسم - موصول للعالم - نكرة / مفعول به و منصوب

٣٢. «إن هذا القرآن يهدى للتي هي أقوم»:

- (١) هذا: اسم - للإشارة للبعيد - مبتنى على السكون - معرفة بالإشارة
(٣) التي: اسم موصول للخاص - للغائبة - نكرة

٣٣. عيّن العبارة التي المعارف فيها أكثر:

- (١) سألت طالبة ذكية أسئلة مهمة من معلمة!
(٣) إن في ذلك لآيات لقوم يعقلون!

٣٤. عيّن العبارة التي المعارف فيها أكثر:

- (١) إن هذا القرآن يهدى للتي هي أقوم!
(٣) اللسان جرمه صغير و جرمه كبير!

٣٥. عيّن ما ليس فيه من الموصولات:

- (١) لا تكن ممن يبطلون صدقاتهم بالمن!
(٣) عاتب من هو أقرب إليك بالإحسان!

٣٦. عيّن العبارة التي كل أسمائها معرفة:

- (١) اللسان و إن كان جرمه صغيراً و لكن جرمه كبيراً!
(٣) اللغة المشتركة بين مسلمي العالم هي اللغة العربية!

٣٧. عيّن العبارة التي المعارف فيها أكثر:

- (١) إنها هي العاقلة التي يتبعد عن كل باطل!
(٣) هل قرأت تلك الأشعار التي أنشدت في مدح لإمام؟

٣٨. عيّن الخبر يختلف عن الباقي في المعرفة و النكرة:

- (١) هؤلاء المعتدون ظالمون.
(٣) هذا الظبي ذو قرون جميلة.

٣٩. عيّن الخبر يختلف عن الباقي في المعرفة و النكرة:

- (١) هم مسؤولو المدارس في مدينتنا.
(٣) بعض الطبقات في البحر اظلم من الأخرى.

(سجش ٨٩)

٢) قَصُرَ الأَمالُ في الدنيا تَفْزاً!
٤) لعلَّ ذا حاجةٍ يَطْلُبُ مساعدةً قليلةً!

(سجش ٨٩)

٢) ابنُ سينا مَمَّنْ اشتهروا في الطَبِّ بينَ المسلمين.
٤) القرآنُ يَطْلُبُ مَمَّنْ آمَنوا أنْ يعبدوا الله دائماً.

(سجش ٨٩)

٢) أعرف تلميذات يُحاكِنُ العظماءُ في تحمُّلِ المصاعبِ.
٤) رأينا قريةً عامرةً من بعيدٍ فجاء أهلها لزيارتنا.

(سجش ٩٠)

٢) الناسُ يكرهون أن يخرجوا من بيوتهم في الصيفِ لشِدَّةِ الحرارة!
٤) أنا أحاولُ للحصولِ على الدرجةِ الممتازةِ في هذه السنة!

(سجش ٩١)

٢) وجدَ أُويسُ نفسَ الرِّحمانِ من اليمينِ!
٤) علينا أن نطلبَ دوامَ التوفيقِ من الله تعالى!

(سجش ٩١)

٢) يستطيعُ الإنسانُ أن يرفعَ ثقته و يقوِّبها من طرقٍ مختلفة!
٤) قال لي الأستاذُ: على كلِّ إنسانٍ أن يخدمَ مجتمعه و بلاده!

(سجش ٩١)

٢) أُمِّي، ما هو سببُ حزنك!
٤) إلهي، ما جعلتَ للشيطانِ عليَّ سبيلاً!

(سجش ٩١)

٢) لا يحتملُ الله ما لانطيقُ: موصول
٤) ما سمعتُ منه كان حقيقياً: نافية

(إربان ٩١)

٤٠. عَيِّن ما لَيْسَ فيه اسمُ معرفة:
١) المرءُ على دينِ خليله و قرينه!
٣) لا تبطلوا صدقاتكم بالَمَنِّ و الأذى!
٤١. عَيِّن «من» لَيْسَ موصولاً:
١) هل تعلمُ من نجحَ في الصَفِّ من بيننا.
٣) نجحَ من كانَ في صَفِّنا من التلاميذِ.
٤٢. عَيِّن ما فيه معارفُ أكثرَ من غيره:
١) شجعتني هذا الباحثُ على الدراسةِ في علمِ الطَبِّ في إيرانِ.
٣) عجيبٌ أتى لم أشاهدُ تقدماً في دروسك حتى الآنِ.
٤٣. عَيِّن المبتدأَ معرفاً بالإضافة:
١) طلابُ صَفِّنا الأوَّلُ فازوا في مسابقاتِ المدرسةِ في الفصلِ الماضي!
٣) الطفلةُ الصغيرةُ كانت تسيِّرُ في الشارعِ وحدها فأنا ساعدتها!
٤٤. عَيِّن ما لَيْسَ فيه اسمُ علم:
١) شعبنا لن يستسلمَ أمامَ أعدائه الظالمينِ!
٣) أحدُ الأماكنِ الجميلةِ في بلادنا إصفهانُ!
٤٥. عَيِّن العبارةَ التي فيها نكرةٌ واحدة:
١) الثِّقةُ بالنفسِ مجموعةٌ من أوصافِ اكتسابيةٍ في الإنسانِ!
٣) يجبُ على الإنسانِ أن يفتشَ عن مجالاتٍ تُساعدهُ في الحياةِ!
٤٦. مَيِّز «ما» معرفة:
١) اصبروا على ما حدثَ لكم!
٣) لِمَ ما سألتني سؤالاً مفيداً!
٤٧. مَيِّز الخَطأَ في نوعِ «ما»:
١) ما قبلتُ أن ينزعجَ مِنِّي: نافية
٣) ما هي حقيقةُ هذا الموضوعِ: استفهام
٤٨. عَيِّن الموصولَ خبراً:
١) لا ينفعنا من العلمِ إلا ما نستفيدُ و نعملُ به في حياتنا اليومية!
٢) الطَّالِبُ من اعتقدَ أنَّ التعلُّمَ جزءٌ من وجوده فلا ينفصلُ منه أبداً!
٣) المؤمنُ لا يَبْطُلُ ما أنفقَه في سبيلِ الله بالَمَنِّ و الأذى، فإنَّ عملَ فقد ضيَّعَ جزاءه!
٤) من المعلمينِ من يضحى نفسه لِيُبنى بناءَ المجتمعِ رفيعاً محكماً، و هو لا يتعبُ في هذا الطَّرِيقِ!

يادداشت:



گزینه‌ی (۲): وهمانا عبادت آن‌ها، عبادت آزادگان است و آن برترین عبادت‌ها است.
گزینه‌ی (۳): خداوند را می‌پرستند و او را دوست می‌دارند زیرا عشق خداوند امری فطری برای بندگانش است.

۱۴. گزینه‌ی (۲): «هؤلاء شاعرات»: اینان شاعر هستند. «لَهُنَّ

أشعاراً»: اشعاری

مبتدای مؤخر

دارند (می‌بایست هر دو جمله را اسمیه ترجمه می‌کردیم). (رد سایر گزینه‌ها)

۱۵. گزینه‌ی (۲): «من» (موصوله است و بعدش یک فعل صیغی جمع آمده است): کسانی که (رد گزینه‌های (۱ و ۳))

«يَسْمَعُونَ» (مضارع): می‌شنوند (رد گزینه‌های (۱ و ۳ و ۴)). چون در این سه گزینه به صورت ماضی ترجمه شده است.

«قليلون» (که خبر برای «من» است): اندک هستند، کم‌اند.

۱۶. گزینه‌ی (۲): «عدد الذين»: تعداد کسانی که (رد گزینه‌های (۱ و ۳ و ۴))
«يواجهون»: مواجه می‌شوند. (رد گزینه‌های (۱ و ۳))

۱۷. گزینه‌ی (۳): فریب ظاهر ورزشکار این تست رو نخورید خیلی ساده حل می‌شود. نگاه کن «ذَهَبَ»: رفت (که فقط در گزینه‌ی (۳) فعل «ذَهَبَ» به صورت «رفت» معنا شده است).

در ضمن «أَكْرَمَ»: گرامی داشت، اکرام کرد (رد گزینه‌های (۱ و ۲))

۱۸. گزینه‌ی (۴): «كُلَّ خَلِيَّةٍ»: هر سلولی. «مِنَ»: از «خَلَايَا الْعَيْنِ فِي الْقَطْطَةِ»: سلول‌های چشم در گربه (رد دیگر گزینه‌ها)

۱۹. گزینه‌ی (۱): «كَلِمَاتٍ مَسْنُونَةٍ»: کلمات «مسنونیت» و «خود» به ترتیب در گزینه‌های (۱ و ۲) اضافی آمده‌اند.

۲۰. گزینه‌ی (۱): «كُلٌّ» کلمه‌ی «كُلٌّ» سه نوع ترجمه می‌شود (خیلی حواست جمع باشد) الف) «كُلٌّ» + اسم مفرد + «كُلُّ طَالِبٍ» هر دانش‌آموزی

هر

ب) «كُلٌّ» + اسم جمع + «كُلُّ الطَّلَابِ» همه‌ی دانش‌آموزان

همه

ج) «كُلٌّ» + مِن + اسم + «كُلٌّ مِنَ الطَّلَابِ» هر یک از دانش‌آموزان

هر یک

۱۹. گزینه‌ی (۳): «رَسِيدَمَ» (باید فعل ماضی تعریب شود): وصلت (رد گزینه‌های (۱ و ۴)) «این»: هذه (رد گزینه‌ی (۲))

۲۰. گزینه‌ی (۴): «كَمَكَ» می‌کنند، چون «می» دارد باید معادلش در عربی فعل مضارع باشد پس «سَاعِدُوا» تعریبی غلط است (رد گزینه‌ی (۲))

«دیگران»: الآخَرِينَ (رد گزینه‌های (۱ و ۳))

«روانه خواهد شد»، چون «خواهد» دارد باید با حروف مستقبل (س، سوف) تعریب شود (رد گزینه‌های (۱ و ۲)) در ضمن چون فاعل این فعل «نعمه» مؤنث است، فعل هم باید مؤنث باشد «سَتَسَدِّفَعُ»

نعمه
فعل مستقبل و مؤنث
فاعل

۲۱. گزینه‌ی (۲): هر کس در گرو چیزی است که به دست آورد.

۱. گزینه‌ی (۲): «هؤلاء الطالبات»: این دانش‌آموزان. «الدَّرَاسِيَّةُ»: درسی. «أداء»: انجام. (رد سایر گزینه‌ها)

۲. گزینه‌ی (۳): «أفضل»: بهتر، نیکوتر (معادل «محسن» و «عمل کننده» نیست) (رد گزینه‌های (۱ و ۲)). «مِنَ الْخَيْرِ»: از خیر، از خوبی (رد گزینه‌ی (۱))

۳. گزینه‌ی (۳): «هَذَانِ الْأَخْوَانُ الْكَبِيرَانِ»: این دو برادر بزرگ، «فِي مَكَانِهِمَا»: در جای خود، «تُمْ لَعِبُوا»: سپس بازی کردند (رد سایر گزینه‌ها) در ضمن کلمه‌ی «مَعاً» به معنای «باهم» در گزینه‌های (۱ و ۲) ترجمه نشده است.

۴. گزینه‌ی (۲): «يَنْجَحُونَ» (مضارع): موفق می‌شوند. «فِي هَذَا الْحَيَاةِ»: در این زندگی (که به غلط در گزینه‌های (۱ و ۳)) به صورت: «در این دنیا، در زندگی خود» ترجمه شده است. «يَسْتَفِيدُونَ»: استفاده می‌کنند.

۵. گزینه‌ی (۱): «نَسْتَشِيرُ»: مشورت می‌کنیم. «عَقْلَانِ»: عاقلان، خردمندان (رد دیگر گزینه‌ها)

در گزینه‌های (۱ و ۲) به ترتیب کلمات «هرگز و به جای» اضافی ترجمه شده‌اند.

۶. گزینه‌ی (۴): «عَاشِرٌ»: (فعل امر از باب مفاعله) معاشرت کن (رد گزینه‌های (۱ و ۲)). در گزینه‌ی (۱) «مَنْ» که از نوع موصوله است ترجمه نشده است.

۷. گزینه‌ی (۲): «قَوَى الظُّلَمَ»: نیروهای ستم. «قَوَى» که جمع مکسر است در گزینه‌ی (۱) به صورت مفرد نیرو، ترجمه شده است.

«تَقْدَرُ»: (مضارع) می‌توانند (رد سایر گزینه‌ها)

۸. گزینه‌ی (۳): «مِنَ الَّذِينَ»: از کسانی که، از میان کسانی که (رد گزینه‌های (۱ و ۲))
موصول جمع

«يُتَّفِقُونَ» (مضارع): اتفاق می‌کنند (که به غلط در گزینه‌ی (۴)) به صورت «اتفاق شد» ترجمه شده است (رد گزینه‌ی (۴))

۹. گزینه‌ی (۳): «هُوَ الَّذِي»: کسی است که (رد گزینه‌های (۱ و ۴)) «يَقْدَفُ» بعیداً: دور می‌اندازد (رد گزینه‌ی (۲))

۱۰. گزینه‌ی (۱): «تَشَعَّرَ» مضارع است که به غلط در گزینه‌های (۱ و ۲) به زمان ماضی ترجمه شده است (رد گزینه‌های (۱ و ۲)) «السَّكِينَةُ»: آرامش

(در گزینه‌ی (۳)) به صورت «آرامش زیادی» ترجمه شده که غلطه «يُشَاهِدُنَ» می‌بینند. (رد گزینه‌ی (۳))

۱۱. گزینه‌ی (۴): «مِنَ» (موصوله است و نقش خبر برای «أفضل» را دارد): کسی است که (رد گزینه‌های (۱ و ۳))

«قبل تأدیب غیره»: قبل از تأدیب دیگری (رد گزینه‌ی (۳))

۱۲. گزینه‌ی (۱): «تَشَعَّرَ» مضارع است که به غلط در گزینه‌های (۱ و ۲) به زمان ماضی ترجمه شده است (رد گزینه‌های (۱ و ۲)) «السَّكِينَةُ»: آرامش

۱۲. گزینه‌ی (۳): «لَا تَرْكُوا» (فعل نهی): ترک نکنید، رها مکنید (رد گزینه‌های (۱ و ۲)) «اللَّهُ»: خدا (رد گزینه‌ی (۴))

۱۳. گزینه‌ی (۴): «كَلِمَةٍ» کلمه‌ی «كَلِمَةٍ» ترجمه نشده است پس این گزینه را رد کردیم.

۱۳. گزینه‌ی (۴): ترجمه‌ی صحیح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱): بندگان خداوند رحمان، همان کسانی هستند که همیشه خداوند را به خاطر نعمت‌هایش شکر می‌کنند.

(که مساوی با ترجمه‌ی گزینه‌ی ۲ است) = هر انسانی مسئول کار خود است.

۲۲. گزینه‌ی ۳: هر کس کار خوبی انجام دهد برای اوست و هر کس کار بدی کند علیه او. مفهوم سایر گزینه‌ها: ۱. ثواب عامل نجات است. ۲. زیبایی انسان در کسب کردن کار نیک است. ۴. عمل انسان همراه اوست.

۱۱. نامه نگاری از گذشته از زمان انسان ما قبل تاریخ، یعنی قبل از ظهور نوشتن آغاز شد و بعد از اختراع نوشتن یعنی بعد از ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد نامه نگاری بسیار ساده تر شد. پس از اینکه متن نامه بر لوحی از گل نوشته می شد صاحب نامه با مهر مخصوصش آن را مهر می کرد و آن مهر مثل امضای امروزی بود. جابه جا کردن نامه‌ها از جایی به جای دیگر از سخت ترین کارها بود چون آنچه از دقت که در آن بود (نیازمند دقت زیاد

۲۷. گزینه‌ی ۳: پدر وارد خانه شد و دستش پر از کیسه‌های غذا بود.

دَخَلَ	الْوَالِدُ	الْمَنْزِلُ	يَدُهُ	مَمْلُوءَةٌ	أَكْبَاسٍ	الطَّعَامِ
فعل ماضی (۱)	فاعل و مرفوع	مفعول به و منصوب	مبتدا و مرفوع	خبر و مرفوع	مجرور به حرف جر	م. الیه و مجرور

۲۸. گزینه‌ی ۲: تصویری کامل از جهان رسم کرد (کشید) که نقطه‌هایش را در آن روشن (اشکار) کرده بود.

رَسَمَ	صُورَةً	كَامِلَةً	عَالَمٍ	أَوْضَحَ	نُقَاطَ
فعل ماضی (۱)	مفعول به و منصوب	صفت	مجرور بحرف جر	فعل ماضی (۱) از باب افعال	مفعول به و منصوب

۲۹. گزینه‌ی ۲: پوست پرتقال شامل ماده‌ای می شود که در ساختن داروها از آن استفاده می شود.

يَحْتَوِي	قَشْرُ	الْبَرْتَقَالِ	مَادَّةٍ	تُسْتَخْدَمُ	صِنَاعَةٍ	الْعُطُورِ
فعل مضارع (۱)	فاعل و مرفوع	م. الیه و مجرور	مجرور بحرف جر	فعل مجهول	مجرور بحرف جر	م. الیه و مجرور

۳۰. گزینه‌ی ۲: غلط سایر گزینه‌ها: ۱. اسم مفعول (اسم فاعل است). ۲. نکره (معرفة به اضافه است). ۳. نکره (معرفة به اضافه می باشد).

۳۱. گزینه‌ی ۱: غلط سایر گزینه‌ها: ۲. ثلاثی مزید (ثلاثی مجرد است) ۳. نکره (تمام موصولات معرفة اند) ۴. نکره (معرفة به اضافه است چون به «الناس» اضافه شده است).

۳۲. گزینه‌ی ۴: غلط سایر گزینه‌ها: ۱. للبعید (هذا، برای اشاره به نزدیک است). ۲. مزید ثلاثی ۳. نکره (موصولات معرفة اند)

۳۳. گزینه‌ی ۲: این گزینه ۴ اسم معرفة دارد «نفس. ی. رب. ی» معارف در سایر گزینه‌ها:

۱ و ۳. اصلاً اسم معرفة ندارند ۴. بین (معرفة به اضافه)، الْمُؤْمِنِينَ.

۳۴. گزینه‌ی ۳: معارف دیگر گزینه‌ها: ۱. هذا، القرآن، التي، هي (۴)

۲. يشاشة، الوجه، سخاء، الكف (۴) ۴. العاقل، الذي، الباطل (۳)

اما گزینه‌ی (۳) ۵ معرفة دارد: اللسان، جرم، ه، جرم، ه.

۳۵. گزینه‌ی ۲: «من» در گزینه‌ی (۲) استفهامی است و موصول نیست ولی «من» در دیگر گزینه‌ها موصوله است. اینهم ترجمه‌اش: «چه کسی گذر کردن کودها را می بیند همانطور که ابرها حرکت می کنند»

اما کلمات «ممن - مئا» اگر وسط جمله بیایند «من و ما» در آن‌ها

بود، و بخاطر ترس از اینکه نامه‌ها گم شوند.

۲۳. گزینه‌ی ۳: طبق متن بعد از اختراع نوشتن، نامه نگاری ساده تر شد.

۲۴. گزینه‌ی ۲: ... (مهر) مانند امضای امروزی بود. (از لحاظ عقلی هم مهر شبیه تر به امضا است تا متن و نقل کردن و صاحب)

۲۵. گزینه‌ی ۴: گم شدن نامه‌ها (گزینه‌ی ۴) طبق متن از عوامل ترس از جابه جا کردن نامه‌ها بود.

۲۶. گزینه‌ی ۴: اینکه نامه نگاری از آغاز آسان بود طبق متن نادرست است.

اما در متن داشتیم که نامه نگاری پس از اختراع نوشتن ساده و آسان تر شد.

۳۶. گزینه‌ی ۳: اسم‌های معرفه‌ی این گزینه‌ی محترم: اللغه، المشتركة، العالم، العربیة (معرفة به ال هستند) بین، مسلمی (معرفة به اضافه) هي (معرفة به ضمیر)

اما نکرات در سایر گزینه‌ها: ۱. صغيراً، كبيراً ۲. يشاشاً، أفضل، سخياً ۴. جميعاً، طريق، أقوم

۳۷. گزینه‌ی ۴: این گزینه ۸ اسم معرفة دارد: ت، زميل، ی، أخت، ه، هما، الف (در یحملان)، ه

اما معارف در سایر گزینه‌ها: ۱. ها، هي، العاقلة، التي (۴ تا) ۲. ذو، الحجّة، ذو، القعدة (تا ۴ تا) ۳. ت، تلك، الأشعار، التي، مدح، الإمام (تا ۶ تا)

۳۸. گزینه‌ی ۴: در گزینه‌های (۱ و ۲ و ۳) خبرها نکره اند به ترتیب: ظالمون، قوّة، ذو، ولی «الذین» خبر و معرفه‌ی به ال است.

۳۹. گزینه‌ی ۱: خبر نکره در سایر گزینه‌ها:

۲. راضٍ (راضی) ۳. أظلمُ ۴. ذو

اما در گزینه‌ی (۱) خبر مسؤولون است که به المدرس اضافه شده است. پس معرفة به اضافه است ولی دیگر خبرها نکره اند.

اعراب فرعی

حرفی ← یک حرف به نیابت از حرکت اصلی می‌آید. (درس ۲)

حرکتی ← یک حرکت به نیابت از حرکت اصلی می‌آید. (درس ۳)

اعراب فرعی حرفی

شامل دو مورد می‌باشد که عبارت‌اند از:

۱ اسم مثنی ۲ اسم جمع مذکر سالم

۱ اسم‌های مثنی:

علامت‌های اسم مثنی

ان ← کاربرد در موقعیت مرفوعی (ا) - ن

ین ← کاربرد در موقعیت منصوبی - مجروری (ا) - ن ، -

در اسم‌های مثنی حرف (ا) به جای حرکت ضمه می‌آید. جاء المعلم (ا) جاء المعلمان

« رأيتُ المعلمَ » مفعول و منصوب به فتحه (اصلی) (ب) « رأيتُ المعلمينَ » مفعول و منصوب به «ی» (فرعی)

حرف «ی» به نیابت از حرکت فتحه می‌آید. سَلَّمْتُ عَلَى الْمَعْلَمِ ← سَلَّمْتُ عَلَى الْمَعْلَمِينَ
مجرور به حرف جر (اصلی) حرف «ی» به نیابت از حرکت کسره (فرعی)

« هذانِ الطُّفْلانِ يَكْتُبانِ رِسالَتَيْنِ » مبتدا و مرفوع فرعاً به «الف» مفعول به و منصوب فرعاً به «ی»

« فِى هَاتَيْنِ الرُّسَالَتَيْنِ سَطْرانِ » مجرور به حرف جر فرعاً به «ی» مبتدای مؤکد و مرفوع فرعاً به «الف»

۲ اسم‌های جمع مذکر سالم:

در جمع‌های مذکر سالم، حرف (و) به نیابت از ضمه و حرف (ی) به نیابت از حرکت فتحه و یا کسره می‌آید.

جاء المعلمونَ ← فاعل و مرفوع به (و) حرف (و) به نیابت از حرکت ضمه
رأيتُ المعلمينَ ← مفعول و منصوب به «ی» (حرف ی) به نیابت از حرکت فتحه

سَلَّمْتُ عَلَى الْمَعْلَمِينَ ← مجرور به حرف جر حرف (ی) به نیابت از حرکت کسره

« ﴿﴾ اسم‌های مثنی و جمع مذکر سالم همیشه اعراب فرعی دارند.

مثال‌های تکمیلی:

« هُم مُجاهِدو الإسلامِ. » خبر و مرفوع فرعاً به «واو» مفعول به و منصوب فرعاً به «ی»
رأيتُ الطُّالِبِينَ فى المَدْرَسَةِ. مفعول به و منصوب فرعاً به «ی»
سَلَّمْتُ عَلَى المُسافِرِينَ. مجرور بحرف جر فرعاً به «ی»

نکات

۱ کلماتی مانند «انسان - عطشان - کسلان - جوعان - حرمان - عُفران - احسان - عصیان ...» با این که در آخرشان «ان» دارند ولی اعراب فرعی ندارند (اعرابشان اصلی است) چرا که اصلاً اسم مثنی نیستند راه تشخیص آن هم این است که «ان» را برمی‌داریم و در این صورت باید به شکل مفرد کلمه برسیم در عین حال بتوانیم به جای «ان» از علامت «ین» استفاده کنیم ولی در موارد فوق این کار امکان‌پذیر نمی‌باشد.

۲ کلماتی مثل «مساکین - شیاطین - قوانین - میادین - سلاطین ...» نیز که به «ین» ختم شده‌اند ولی جمع مذکر سالم نیستند بلکه جمع مکسرند زیرا با برداشتن «ین» از آخرشان به شکل مفرد آن‌ها نمی‌رسیم در نتیجه اینگونه کلمات نیز دارای اعراب اصلی می‌باشند.

۳ کلماتی مانند «مغبون - مجنون - جنون» (که بر وزن فاعول و مفعول‌اند) نیز جمع مذکر سالم نیستند و اعرابشان اصلی خواهد بود.

جمال العلم

اعتزل ذكر الأغاني و الغزل و قَلِ الفَصْل و جانب مَنْ هَزَلْ

① از ترانه خواندن، (غزل سرایی) دست بکش و سخن حق را بگو و از کسی که سخن بیهوده می گوید، دوری کن.

ترکیب

اعتزل: فعل و فاعله أَنْتَ المستتر / ذکر: مفعول به و منصوب
الأغاني: مضاف اليه و مجرور تقديرًا / قل: فعل و فاعله أَنْتَ المستتر / الفصل: مفعول به و منصوب / جانب: فعل و فاعله أَنْتَ المستتر / مَنْ: مفعول به و منصوب
محلاً / هَزَلْ: فعل و فاعله هو المستتر

تجزیه

اعتزل: فعل امر للمخاطب، مزيد ثلاثي من باب افتعال، مبنی على السكون، متعد، من مادة (ع ز ل)
الأغاني: اسم، جمع تكسير (مفردة أغنية)، مونث، جامد، معرب، ذواللام، ممنوع من الصرف، منقوص
جانب: فعل امر للمخاطب، مزيد ثلاثي من باب مفاعلة، مبنی على السكون، متعد، من مادة (ج ن ب)
مَنْ: اسم موصول عام، مفرد، مذکر، مبنی على السكون، معرفه

وَاتَّقِ اللَّهَ فَتَقْوَى اللَّهُ مَا جَاوَزَتْ قَلْبَ إِمْرِي إِلَّا وَصَلْ

① و تقوای خدا را پیشه کن پس تقوای الهی همسایه قلب انسانی نشد مگر این که (به خدا) رسید.

ترکیب

إتَّقِ: فعل و فاعله أَنْتَ المستتر / الله: مفعول به و منصوب / تقوى: مبتدا و تقدیراً مرفوع / الله: مضاف اليه و مجرور
ما جاوزت: فعل و فاعله هي المستتر / قلب: مفعول به و منصوب / إمری: مضاف إليه و مجرور / وَصَلْ: فعل و فاعل هو المستتر

تجزیه

إتَّقِ: فعل امر، للمخاطب، مزيد ثلاثي من باب إفتعال، مبنی، مُتَعَدِّ، من مادة (و ق ی)
تقوى: اسم، مفرد، مونث، جامد، معرب، معرف بالاضافه، منصرف، مقصور
جَاوَزَتْ: فعل ماضی، للغائبه، مزيد ثلاثي من باب مُفَاعَلَة، مبنی على الفتح، متعد، من مادة (ج و ر)

لَيْسَ مِنْ يَقْطَعُ طُرُقًا بَطْلًا إِنَّمَا مَنْ يَتَّقِي اللَّهَ الْبَطْلَ

① کسی که راهزنی می کند، قهرمان نیست، تنها و فقط کسی که از خداوند می ترسد (تقوا پیشه می کند) قهرمان است.

ترکیب

لَيْسَ: فعل ناقصه / مَنْ: اسم ليس، مرفوع محلاً / يَقْطَعُ: فعل و فاعله هو المستتر / طُرُقًا: مفعول به و منصوب / بَطْلًا: خبر ليس و منصوب / مَنْ: مبتدا و مرفوع
محلاً / يَتَّقِي: فعل و فاعله هو المستتر / الله: مفعول به و منصوب / البطل: خبر و مرفوع

تجزیه

يَقْطَعُ: فعل مضارع، للغائب، مجرد ثلاثي، معرب، متعد، من مادة (ق ط ع)
طُرُقًا: اسم، جمع تكسير (مفردة طريق) مذکر، جامد، نكرة، معرب، منصرف، صحيح الآخر
بَطْلًا: اسم، مفرد، مذکر، مشتق (صفت مشبهه) نكرة، معرب، منصرف، صحيح الآخر
يَتَّقِي: فعل مضارع، للغائب، مزيد ثلاثي من باب إفتعال، معرب، متعد، من مادة (و ق ی)

العدى: اسم، جمع مكسر (مفردة عدو)، مذکر، مشتق (صفت مشبهة)، معرب، ذواللام، منصرف، مقصور
 العلم، العمل: اسم، مفرد، مذکر، جامد، معرب، ذواللام، منصرف، صحيح الآخر

لا تَقُلْ أصلي و فصلي أبدأ إنما أصل الفتى ما قد حَصَل

هرگز از اصل و نسب خود نگو، اصل و ریشه‌ی جوانمرد فقط همان چیزی است که (خودش) به دست آورده است.

ترکیب

لا تَقُلْ: فعل و فاعله أنتَ المستتر / أصل: مفعول به و منصوب تقديرًا / ي: مضاف اليه و مجرور محلاً / أصل: مبتدا و مرفوع / الفتى: مضاف اليه و مجرور تقديرًا /
 ما: خبر و مرفوع محلاً / حَصَل: فعل و فاعله هو المستتر

تجزیه

لا تَقُلْ: فعل نهی، للمخاطب، مجرد ثلاثی، معرب، متعد، من مادة (ق و ل)
 فتى: اسم، مفرد، مذکر، جامد، معرب، ذواللام، منصرف، مقصور

قيمة الإنسان ما يُحْسِنُهُ أَكْثَرَ الإنسانِ مِنْهُ أَمْ أَقَلَّ

ارزش انسان به چیزی است که آن را به نیکی انجام می‌دهد، خواه انسان آن را زیاد انجام دهد یا کم.

ترکیب

قيمة: مبتدا و مرفوع / الانسان: مضاف اليه و مجرور / ما: خبر مفرد و مرفوع محلاً / يُحْسِنُهُ: فعل و فاعله هو المستتر / ه: مفعول به و منصوب محلاً /
 أَكْثَرَ: فعل / الانسان: فاعل و مرفوع / منه: جار و مجرور محلاً / أَقَلَّ: فعل و فاعل هو المستتر

تجزیه

يُحْسِنُهُ: فعل مضارع، للغائب، مزيد ثلاثی من باب افعال، معرب، متعد، من مادة (ح س ن)

قَصُرَ الآمالُ فِي الدنيا تَفَرُّ فَدَلِيلُ العَقْلِ تَقْصِيرُ الأملِ

آرزوها را در دنیا کوتاه کن تا رستگاری شوی. پس نشانه‌ی عقل، کوتاه کردن آرزو است.

ترکیب

قَصُرَ: فعل و فاعله أنتَ المستتر / الآمالُ: مفعول و منصوب / الدنيا: مجرور بحرف جَزْ تقديرًا / تَفَرُّ: فعل و فاعله أنتَ المستتر / دليل: مبتدا و مرفوع / العقلُ:
 مضاف اليه و مجرور / تقصير: خبر مفرد و مرفوع / الأمل: مضاف اليه و مجرور

تجزیه

قَصُرَ: فعل أمر، للمخاطب، مزيد ثلاثی من باب تفعیل، مبنی على السكون، متعد، من مادة (ق ص ر)
 الدنيا: اسم، مفرد، مؤنث، مشتق (اسم تفضیل)، معرب، ذواللام، ممنوع من الصرف، مقصور
 تقصير: اسم، مفرد، مذکر، جامد، معرب، مُعَرَّف بالاضافه، منصرف، صحيح الآخر

یادداشت:

تعمیرات

التمرین الأول

إِتِّخِبَ الإِعْرَابَ الْمُنَاسِبَ لِلِاسْمِ الْمَقْصُورِ وَ الْمُنْقُوصِ. (۱) اعراب مناسب اسم مقصور و منقوص را انتخاب کن.

۱ ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى﴾ (۲) او کسی است که پیامبرش را با (کتاب) هدایت فرستاد.

بِسْمِ: الهدی: اسم مقصور، تقدیراً مجرور به حرف جر

۲ الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ. (۳) دنیا مزرعهی آخرت است.

بِسْمِ: الدنيا: اسم مقصور، مرفوع تقدیراً (نقش مبتدا)

۳ النَّاسُ لَا يُحِبُّونَ الرَّاضِيَ عَنِ نَفْسِهِ. (۴) مردم انسان از خود راضی را دوست ندارند.

بِسْمِ: الراضی: اسم منقوص، مفعول به و منصوب به اعراب ظاهری

توضیح: اسم منقوص در حالت نصبی (مثلاً نقش مفعول) حرکت فتحه را می‌پذیرد و اعرابش اصلی خواهد بود.

التمرین الثاني

أَجِبْ عَمَّا طُلِبَ مِنْكَ. (۵) آنچه را از تو خواسته شده، پاسخ بده.

۱ ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ﴾ (۶) او اول و آخر و ظاهر و باطن (هرکاری) است.

الإعراب: مبتدا و مرفوع محلاً

سبب البناء: ضمیر

۲ ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَدَأَ آمِنًا﴾ (۷) پروردگارا (ای پروردگار من) این سرزمین را امن قرار بده.

بِسْمِ: هذا: الاعراب: مفعول به و منصوب محلاً / سبب البناء: اسم الاشارة

۳ الْعَاقِلُ مَنْ يَتَعَبَّرُ بِالتَّجَارِبِ. (۸) عاقل کسی است که از تجربه‌ها پند گیرد.

بِسْمِ: مَنْ: الاعراب: خبر، مرفوع محلاً / سبب البناء: اسم موصول

التمرین الثالث

صَحِّحِ الأَخْطَاءَ فِيمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ. (۹) غلطها را در آنچه که با خطی به آن اشاره شده به همراه بیان دلیل تصحیح کن.

۱- قال نوح (ع): وَجَدْتُ الدُّنْيَا كَيْبَتٍ لِهَ بَابَانِ؛ دَخَلْتُ مِنْ أَحَدِهِمْ وَخَرَجْتُ مِنَ الْآخَرِ.

(۱۰) نوح (ع) فرمود: دنیا را همچون خانه‌ای یافتم که دو در دارد، از یکی از آن دو وارد شدم و از دیگری خارج شدم.

بِسْمِ: أَحَدِهِمْ ← أحدهما زیرا ضمیر باید با مرجع ضمیر از نظر تعداد و جنس مطابقت داشته باشد و در اینجا ضمیر «هم» به «بابان» که مثنی است برمی‌گردد. در نتیجه باید به صورت مثنی بیاید.

۲. السَّاعِي فِي الْخَيْرِ كِفَاعِلُهُ وَ الْمَاشِي فِي الشَّرِّ كَعَامِلُهُ (۱۱) سعی کننده در (کار) خیر همانند انجام دهنده آن است و رونده در (راه) بدی همانند عمل کننده‌ی آن است.

بِسْمِ: السَّاعِي ← السَّاعِي / الْمَاشِي ← الْمَاشِي

اسم منقوص در موقعیت‌های رفعی و جری اعراب نمی‌گیرد (یعنی برای حرف آخر هیچ حرکتی گذاشته نمی‌شود (تقدیری) در اینجا «السَّاعِي» و «الْمَاشِي» هر دو مبتدا و مرفوع تقدیراً می‌باشند.)

9. سُكِّلَ ما أُشِيرَ إليها بِخَطِّ: (الف) هَلْ رَأَيْتُمُ الْفَلَّاحِينَ اللَّذِينَ يَعْمَلُونَ فِي صَحْرَاءِ.
10. إِمْلَأِ الْفَرَاغَ: (الف) اَكْتُبُوا عَلَى اللَّوْحَةِ الْعِلْمَ (مَفِيدٌ - مَفِيدٌ - مَفِيدَاتٌ) (ب) الْكُتُبُ الْمَفِيدَةُ فِي (الْمَكْتَبَةُ - الْمَكْتَبَةُ - الْمَكْتَبَةُ) (ج) نَعْمَ! هُوَ أَمِيرٌ (الْمُؤْمِنِينَ - الْمُؤْمِنُونَ - الْمُؤْمِنِينَ) (د) يَا طَالِبَ، كَيْفَ ك؟ (إِحْتِبَارٌ - إِحْتِبَارٌ - إِحْتِبَارٌ)
11. صَحِّحِ الْأَخْطَأَ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ: (الف) وَغَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِجَنَّةٍ فِيهَا لَذَاتٌ كَثِيرَةٌ.
12. لِلإِعْرَابِ وَالتَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ: (الف) الْإِنْسَانُ فِي الْمَاضِي لَا يُقَدَّرُ أَنْ يَغْوِضَ فِي الْبَحْرِ.
- (الف) الْمَاضِي:
(ب) لَا يُقَدَّرُ:

امتحان پایان ترم اول (امتحان دوم)



1. تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ الْعَرَبِيَّةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (الف) وَ أُخْلِلُ عَقْدَةً مِنْ لِسَانِي. (ب) وَ لِي أَطْفَالٌ يَتَامَى وَ لَيْسَ عِنْدِي شَيْءٌ فَقَدَ الْجَائِئِي الضَّرُورَةَ إِلَى خِدْمَةِ النَّاسِ. (ج) تَوَصَّلَ الْبَاحِثُونَ فِي عِلْمِ الْفَلَكِ فِي الْقَرْنِ الْعَشْرِينَ إِلَى نَظَرِيَّةٍ. (د) «السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا.» (هـ) قَصُرَ الْأَمَالُ فِي الدُّنْيَا تَفْزُ / فَدَلِيلُ الْعَقْلِ تَقْصِيرُ الْعَمَلِ (و) وَ هُوَ يَرْقُبُ الْقَمَرَ بِأَعْيَابٍ فَأَخَذَتْ سِلَاحِي. (ز) لَا تَقُلْ أَصْلِي وَ فَصْلِي أَبَدًا / إِنَّمَا أَصْلُ الْفَتَى مَا قَدْ فَضَّلَ
2. تَرْجِمِ اللَّغَاتِ: (الف) الرِّحَالُ ^{فارسي} (ب) مَعَدَّ ^{فارسي} (ج) هَفْتَه ^{عربي} (د) ابرها ^{عربي}
3. اِنتَخِبِ التَّرْجِمَةَ الْأَصْحَحَ: (الف) تَشَكَّلَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ: 1. أَسْمَانُهَا وَ زَمِينُ تَشْكِيلِ شَد. (بِهَ وَجُودِ أَمَد) 2. أَسْمَانُهَا وَ زَمِينُ رَا تَشْكِيلِ دَاد. (بِهَ وَجُودِ أَوْرَد).
- (ب) كَيْفَ تَقْتُلُ ظَلِيمًا يُعَشِّقُ الْجَمَالَ: 1. چگونہ آهویی را می کشی که به زیبایی عشق می ورزد. 2. چگونہ آهویی را می کشد که زیبایی را دوست دارد.
4. صَحِّحِ الْأَخْطَأَ فِي التَّرْجِمَةِ: (الف) فَهَمِ الْحَاضِرُونَ مِنْ ظَاهِرِهِ أَنَّهُ مِنَ الْفُقَرَاءِ لَكِنَّهُ أَهْلُ الْعَمَلِ وَالْإِجْتِهَادِ، خَضَارٌ مِنْ ظَاهِرِهِ فَهَمِيدُونَ كَمَا مِنْ فُقِيرَانِ بُوْدِهِ اسْتِ وَلِي أَهْلُ عَمَلِ كَرْدَنِ وَ تَلَّاشِ اسْتِ.
5. لِلشَّعْرِبِ: (الف) مِنْ تَهِيَّةِ كَرْدَنِ نَانَ رَا دُوسْتِ دَارَمِ.
6. اِنتَخِبِ الصَّحِيحَ: (الف) تَوَصَّلَ الْبَاحِثُونَ فِي عِلْمِ الْفَلَكِ. (وَصَلَ شَدْنَدَ، بِي اَيْنِ نَتِيْجَهَ رَسِيدَنَدَ، تَوَسَّلَ جَسْتَنَدَ) (ب) الْقُرْآنُ دَسْتُورٌ لِحَيَاتِنَا الْيَوْمِيَّةِ. (دَسْتُورِي، فَرْمَانِي، قَانُونِي)

(٢)

١٠. صحّح الأخطاء:

- (الف) أنا أصلب من هذا الصخرة.
(ب) المسلمون ذهب المدينة إلى القاضي.
١١. شكّل.

(٠/٥)

«وجدنا المومنات صابرات عند الشدائد»

(٠/٥)

١٢. أعرب

- (الف) الإسلام شجع المسلمين على التفكير.
(ب) العلم و الدين جناحان للإنسان.

(٠/٥)

١٣. إنتخب المناسب.

- (الف) الإشارات في القرآن ليست هدفاً. (العلميّ - علميّ - العلميّة)
(ب) قصّة مشهورة في هذا المجال. (غالبية - غالبية - غالبية)

(٣)

١٤. إقرأ النصّ التالي ثمّ أجب عن الأسئلة.

«كان السكاكئي شخصاً أميناً. لَمَّا شاهد المكانة الرفيعة للعلماء في محافل عديدة عزم على الذهاب إلى المدرسة في خوارزم و لكن لَمَّا ما شاهد تقدماً في درسه ترك الدرس.»

- (الف) متى عزم السكاكئي على الذهاب إلى المدرسة؟
(ب) ماذا فعل السكاكئي لَمَّا ما شاهد تقدماً؟
(ج) من كان السكاكئي؟
(د) عيّن جمع تكسير في النص.
(هـ) أتي نوع من الإعراب لا يوجد في النص؟
(و) للتحليل الصرفي «محافل» (تجزئته)

امتحان پايان ترم اول (امتحان پنجم)



١. أعرب ما أشير إليها بخطّ.

- (الف) أَلْفَ أَسَاتِذَ عِلْمِ النَّفْسِ كُتِبَ و رسالاتٍ عديدةً.
(ب) فَهَمَّتْ، الْمُعَلِّمُونَ محبوبونَ عندَ النَّاسِ.
(ج) قرأت ثلاثَ أبياتٍ مِنَ الشَّاعرِ الإيرانيّ.
(د) سافرنا إلى شيراز الجمليّة و إستفدنا من أماكنها التاريخيّة.

٢. صحّح الأخطاء:

- (الف) نَحْنُ مُجِبُونَ العلم دائماً.
(ب) عَزَفْنَا أشرافاً يَأْكُلْنَ الأَعْدِيَةَ اللَّذِيذَاتِ.
(ج) لِجِدِّي كُتِبَ قِيَمٌ في العلوم الّذي موضوعها طَبّ.

٣. شكّل ما أشير إليها بخطّ:

- (الف) أنا أحبُّ فرعَ العلوم الإنسانيّة.
(ب) قَلَّ الغصائص الحميدة التي تزئنت أخوك بها.
(ج) في جنبِ مدرستنا حانوتٌ ذو أجناسٍ غربيّة.

٤. إنتخب الآتسب للفراغ:

- (الف) صِفْ شجرةً (جافّة - جافّة - الجافّة)
(ب) هل رأيتَ الشَّحراءَ (المُخْضِرّة - المُخْضِرّة - مُخْضِرّة)
(ج) سافرتم إلى قَمٍّ (المقدّسة - المقدّسة - مُقدّسة)

٥. للإعراب و التحليل الصّرفيّ:

بيّن أشجار البيت شجرةً أحبّها أكثر.

پاسخنامه تشریحی امتحان پایانی ترم اول (امتحان اول)



۱. الف) خدایا برای من بر راه محبت خودت راه آسانی قرار بده.
 ب) نه، بلکه شرم بر من باد در آنچه نسبت به کار تو کوتاهی کردم.
 ج) و کوهها را می بینی، می بنداری که بی حرکت اند در حالی که آنها مانند حرکت ابرها حرکت می کنند.
 د) اشاره های علمی در آیه های قرآن کریم، خود به خود هدف نیست.
 ه) هرگز نگو خانواده و نسبم چنین است، بلکه فقط اصالت جوانمرد آن چیزی است که به دست می آورد.
۲. الف) کوتاه کردن ب) نقره ج) تل د) الظبی
۳. الف) ۱ ب) ۲
۴. غلط صحیح
 گفت جواب داد، پاسخ داد.
 رفته است رفت
 می کند می کنم
۵. مَنْ سَاعَدَ الصَّيَّادَ فِي الرَّخْلَةِ؟
۶. الف) به آرامی. ب) ترک کن.
۷. ۱) يجبُ عليه قراءةُ الدُّروسِ.
 ۲) في إزديادِ العلمِ إرغامُ العبدِ.
 ۳) لا، بل جمالُ العلمِ بإصلاحِ العَمَلِ.
۸. الف) مفعول به و منصوب فرعاً بالياء
 د) مجرور بحرف الجرّ ظاهراً
۹. «..... الفَلاحينَ اللّذينَ يعمَلانَ في صحراء»
۱۰. الف) مُفِيدٌ ب) المكتبةُ ج) المؤمنينَ د) إختبارٌ
۱۱. غلط صحیح
 المؤمنينَ المؤمنينَ
 المؤمناتَ المؤمناتَ
 جَنَّةٌ جَنَّةٌ
 لَذَاتُ لَذَاتُ
۱۲. الف) الماضي: اسم، مفرد، مذکر، مشتق (اسم فاعل)، معرب، منصرف، منقوص / مجرور بحرف الجرّ تقدیراً.
 ب) لاقید: فعل مضارع للغائب، ثلاثی مجزء، معرب، لازم، معلوم، معرب / فعلٌ نفي و فاعله «هو» المستتر خبر و مرفوع محلاً.

پاسخنامه تشریحی امتحان پایانی ترم اول (امتحان دوم)



۱. الف) و گره را از زبانه بگشا.
 ب) و فرزندان یتیمی دارم و چیزی ندارم پس ضرورت مرا مجبور به خدمتگزاری مردم کرده است.
 ج) پژوهشگران در زمینه ای علم ستاره شناسی در قرن بیستم به نظریه ای دست یافتند. (به این نتیجه رسیدند).
 د) آسمانها و زمین به هم چسبیده بودند پس ما آن دو را شکافتیم. (از هم جدا کردیم)
 ه) آرزوها را در دنیا کوتاه کن تا رستگار شوی. پس دلیل وجود عقل کوتاه کردن آرزوست.
 و) او به شگفتی و تعجب به ما می نگریست پس من تفنگم را برداشتم.
 ز) هرگز نگو خانواده و اصل و نسبم چنین است، بلکه فقط اصالت جوانمرد آن چیزی است که به دست می آورد.

۲. الف) سفرها ب) آماده شده ج) أسبوع د) الشحاب
۳. الف) ۱ ب) ۱
۴. غلط صحیح
 ظاهر ظاهرش، ظاهر او